



سید امیر رون
مدیر اجرایی جشنواره

استاندارد سازی کتاب آموزشی

کتاب‌های آموزشی به عنوان اسناد انتقال دهنده و توسعه‌ی دانایی و توانایی و فراهم کننده‌ی زمینه برای رشد و کسب مهارت‌ها و آداب زندگی و تولید دانش، از اهمیت بسیار زیادی برخوردارند. بنابر این، توجه به کیفیت آن‌ها امروز بحث غالب در اکثر نظام‌های آموزش و پرورش کشورها را تشکیل می‌دهد. به منظور سامان بخشی و بهبود کیفیت انتشار کتاب‌های آموزشی در مؤسسه‌ها و مراجع خصوصی و دولتی، و هم‌چنین مقایسه‌ی نحوه‌ی عملکرد آن‌ها، تدوین استانداردهایی که ناظر بر جنبه‌های متفاوت محتوا و انتظاراتی باشند که از یادگیری دانش آموزان وجود دارد، ضروری است. این استانداردها، مانند علائمی مفید و اثربخش، راه را برای بهبود و ارتقای سطح طراحی، تولید و ارزش یابی کتاب‌های آموزشی در آموزش و پرورش مشخص می‌کند.

استانداردهای کتاب‌های آموزشی، بیان منسجم و متوازی از مقاصدی هستند که در فرایند یاددهی و یادگیری فراگیران مطرح است. بیاناتی هستند که به‌طور صریح، ابعاد گوناگون کتاب آموزشی را تبیین می‌کنند و به سطح مطلوب و نتایج یادگیری در حوزه‌های آموزشی متفاوت می‌پردازند. استاندارد کتاب آموزشی، بازخوانی مجددی از کتاب‌های آموزشی منتشر شده است که بار دیگر این امکان و فرصت را فراهم می‌آورد تا نقش این گونه کتاب‌ها را در آموزش و پرورش

۲۰۹۱۹۲
پاییز ۱۳۸۶



از نو تعریف کنیم [Klausner and Bruce, 1996].

«استانداردسازی»^۱، یعنی تعیین معیار، ملاک و حد مطلوب [Delaine and Larsen, 2000] و به عبارت دیگر آن چه که باید انجام شود و نحوه‌ی اجرای آن و در نهایت، بهینه‌ای که باید مطابق نیازهای حال و آینده ترسیم شود؛ آینده‌ای چالش‌انگیز اما قابل دسترس. استاندارد قانون و تعهدی پایدار نیست، بلکه پنداشتی گذراست و همواره این امکان وجود دارد که آن را بازسازی، تغییر و اصلاح کنیم. معیاری برای قضاوت مردم در سطح منطقه، استان و ملی فراهم می‌آورد و ساختاری را تدارک می‌بیند تا بر مبنای آن بتوان، انتشار کتاب‌های آموزشی غنی، عمیق، تقویت‌کننده و توسعه‌بخش را بنا نهاد.

استانداردهای کتاب‌های آموزشی، حاصل حرکتی به سمت ایجاد تعادل در فرایند یاددهی و یادگیری و گفت‌وگوی بین معلمان، والدین، صاحب‌نظران و پدیدآورندگان است تا نسبت به محتوایی که باید انتخاب شود و این که چه طور باید ارائه شود، بیندیشند. هنگامی که با موقعیت‌ها و منابع یادگیری سروکار داریم، باید بپذیریم که می‌توان مبنای عمل و هم‌چنین قضاوت و ارزیابی را معیار قرار داد و نباید انتظار داشت که همه‌ی کیفیت‌ها را بتوان با مقیاس عینی و کمی اندازه‌گیری کرد. هنگامی که استاندارد شکل کلی و کیفی دارد، نه تنها خصلت کاملاً تجویزی پیدا نمی‌کند، بلکه تشخیص میزان پای‌بندی به آن‌ها، نیازمند ادراک هوشمندانه، تعیین معیار ارزیابی و قضاوت کیفی و بعضی موارد عینی‌تر، اندازه‌گیری با مقیاس کمی است.

استانداردگذاری در کتاب‌های آموزشی، معمولاً در دو حیطه‌ی کمی «محتوای استاندارد»^۲ و «عملکرد» مورد مطالعه قرار می‌گیرد. برای روشن شدن موضوع، در این نوشتار به اجمال مفهوم «استاندارد محتوا» توضیح داده می‌شود. از استاندارد محتوا تعاریف متعددی ارائه شده است. آن چه اکثر صاحب‌نظران در مورد آن توافق دارند این است که استاندارد محتوا، آن چه را که از دانش‌آموزان انتظار می‌رود بدانند و قادر به انجام آن باشند، مشخص می‌کند [Borth wick, 1999]. استاندارد محتوا، ایده‌ها، مهارت‌ها و دانش‌ها را در هر یک از رشته‌های علمی منعکس می‌کند و در تدوین آن همواره می‌کوشند:

۱. علمی و دقیق بیان شود و در همه‌ی مراحل تحصیلی، از پیش‌دبستان تا پایان دوره‌ی متوسطه‌ی نظری و مهارتی، به صورت منظم و مرتبط باهم ادامه یابد.
۲. متناسب با اهداف و توانایی‌ها، و ویژگی‌های رشدی و ادراکی فراگیران باشد.
۳. مهارت‌ها و دانش ضروری را در قالب حداقل یک رشته و حوزه‌ی آموزشی ارائه دهد.
۴. محتوای مشخص و سطحی معین از جزئیات (دامنه‌ی شمول)^۳ را برای ارائه تبیین کند.
۵. از توالی، ساختار منطقی، انسجام درونی^۴، و انعطاف‌پذیری در اجرا، برای سطوح گوناگون منطقه‌ای، علایق فردی و سنت‌های دینی، ملی و فرهنگی، برخوردار باشد.
۶. بین ارائه‌ی محتوا به صورت محض^۵ و به صورت کاربردی^۶، توازن برقرار شود [Ewell, 1997, pp.611-614].
۷. دقیق، بی‌عیب، قابل ارزیابی و قابل استفاده برای کسانی باشد که باید آن را اجرا کنند [Riley, 2001].
۸. انعکاسی از وفاق جمعی (بر مبنای توافق) و قابل بازنگری، تغییر و اصلاح مداوم باشد.
۹. قابل ارزیابی باشد. مهارت‌های قابل سنجش و قابل انتقال به دانش‌آموزان، والدین،

استانداردهای
کتاب‌های آموزشی،
بیان منسجم و
متوازی از مقاصد
هستند که در فرایند
یاددهی و یادگیری
فراگیران مطرح است

معلمان را مشخص کند. به علاوه، ارزیابی باید در جهت نظارت بر پیشرفت دانش آموز و سنجش و تصمیم گیری های آموزشی و برنامه ها باشد.

بدیهی است، چنان چه بخواهیم به سمت استانداردسازی کتاب های آموزشی حرکت کنیم، باید با مشارکت تمامی مراجع ذی نفع، ذی نفوذ و ذی صلاح، کمیته های علمی و تخصصی رشته ای، میان رشته ای و فرارشته ای را شکل دهیم تا با همکاران خبره، صاحب نظران و پدیدآورندگان کتاب های آموزشی، استانداردهای لازم را متناسب با ویژگی های فرهنگی و ارزشی حاکم بر جامعه تدوین کنیم. این استانداردها، ابتدا باید به شکل آزمایشی اجرا شوند و پس از کشف نقاط ابهام و ضعف های آنها، در سراسر کشور برای اجرا نهادینه گردند.

◀ زیرنویس ها

1. Setting standard
2. Content Standard
3. Per Formance Standard
4. Coverage
5. Internal Articulation
6. Exposure
7. Application

◀ منابع

۱. ورما، سورندار (۱۳۸۰). برنامه ی درسی و چارچوب استاندارد. ترجمه ی نادرقلی قورچیان و حسن ملکی. انتشارات فرانشاختی اندیشه. تهران.
۲. بیات، مسلم (۱۳۸۱). «تاریخچه ی استاندارد ایران». ماهنامه ی استاندارد. شماره ی ۱۳۵ / ۱۳۸۱.
۳. بازرگان، عباس (۱۳۷۷). «آغازی برای ارزیابی کیفیت در آموزش عالی». فصل نامه ی پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی. شماره ی ۱۵ و ۱۶. بهار و تابستان ۱۳۷۷.
۴. حسینی نسب، داود؛ علی اقدام، اصغر (۱۳۷۵). فرهنگ واژه ها و تعاریف تعلیم و تربیت. انتشارات احرار. تبریز.
5. Ewell, Peter (1997). Identifying Indicators of curriculum Quality, in: Gaff, Jerry G. Ratcliff, James L. (eds).
6. Barthwick, A. (1999). "Teachers raising Standards: Developing and Implementing the new Standards in the U.S.A incorporated Association of Registered teacher of Victorian, Seminar Series. August 1999. No. 85.
7. Delaine. Eandlarson. y. (2000). "Science Content Standards for Valifornia Public School California Department of education.
8. Klausner, Richard and Bruce, Alberets (1996). "National Science education Standards ine. Alexandria. National academy Press. Washington Dc.
9. Riley. R.W. (2001). "Teachers and goals 2000, Leading the Journey toward high Standards for all Student" Department of Education.